

# هری پاتر

## موفقیت درخشان و زود هنگام

مترجم: بهاره بهداد

گرسنه "هری پاتر" برسانند. بزرگ‌ترین کتاب‌فروشی‌های زنجیره‌ای آمریکا ۹۰۰۰ کامیون را که حامل ۴۰۰۰۰۰ نسخه از آخرین جلد این کتاب بودند، پذیرا شدند!

### اطلاعات آماری

- فروش ۲۵۰ میلیون نسخه در سراسر دنیا، از ژوئیه ۱۹۹۷ تا کنون.
  - این کتاب به ۵۵ زبان و در ۲۰۰ کشور ترجمه شده است که در میان آن‌ها زبان چینی و تایلندی هم به چشم می‌خورد.
  - سه جلد اول، مبلغ ۴۸۰ میلیون دلار برای نویسنده این کتاب، جی. کی. رولینگ، درآمد داشته است.
  - نویسنده کتاب در این مدت، موفق به دریافت ۴۲ جایزه شده است.
- به دنبال نشر کتاب "هری پاتر"، فیلمی هم از روی آن ساخته شد و هم‌چنین نوارهایی نیز ضبط و پخش گردید. در بعضی روزنامه‌ها و مجلات، عکس هری پاتر، در اولین صفحه چاپ شد؛ مثل

«همه طعمه مرگ نمی‌شدند، اما طاعون‌گریبان همه‌شان را گرفته بود.»

افسانه حیوانات طاعون‌زده، از لافونتن

بازتاب "هری پاتر" در نشریات جهان، در قالب واژه‌هایی چون «خارق‌العاده»، «بی‌نظیر»، «سحر هری پاتر»، «پاتر مانیا»، «یک موفقیت جهانی» و غیره بوده است. دیگر چه کسی می‌تواند ادعا کند که از اپیدمی تبی که گریبانگیر مخاطبان کودک و بزرگسال این کتاب است، مبرا است؟ تبی که در خلال خواندن ماجراهای "هری" - مشهورترین جادوگر جوان روی زمین - برای خوانندگان پیش می‌آید.

پنجمین جلد از این داستان پرتب و تاب، تازه‌وارد بازار شده و هیجانی عمومی در آمریکا، انگلیس، فرانسه و دیگر نقاط جهان پیش آمده است. همه به کتاب‌فروشی‌ها هجوم آوردند و حتی نیمه‌های شب هم در کتاب‌فروشی‌ها باز بود تا هرچه سریع‌تر این کتاب را به دست مخاطبان

### هری پاتر کیست؟

هری پاتر، یک پسر ۱۱ ساله یتیم است که نزدیکانش از او نگهداری می‌کنند، ولی با او رفتار خوبی ندارند (با بزرگ شدن خوانندگانش، او هم رشد می‌کند و در حال حاضر، چند سال بزرگ‌تر است). والدین او در یک حادثه رانندگی از دنیا می‌روند و فقط هری از آن حادثه جان سالم به در می‌برد، ولی از آن حادثه، اثر زخمی روی پیشانی او باقی می‌ماند که به شکل صاعقه است.

او بعدها می‌فهمد که پدر و مادرش در حقیقت، توسط یک جادوگر بدجنس که قدرت‌های اهریمنی داشته، کشته شده‌اند. هری به مدرسه جادوگری هاگوارتز می‌رود و در آن جا دوستانی می‌یابد که در تمام ماجراها همراه او هستند.

### رمز پیروزی کتاب هری پاتر

چه چیزی می‌تواند کودکان و بزرگسالان (!) سراسر جهان را از صندلی‌های جلوی تلویزیون و یا مکان‌هایی برای بازی Play station و یا سالن‌های ورزشی جدا کند؟ افرادی که معمولاً اهل مطالعه نبودند، چرا ناگهان با یک یورش ادبی به سوی این کتاب‌ها، آن‌ها را بدون وقفه می‌بلعند؛ آن هم کتاب‌هایی که ساعت‌ها برای خریدشان جلوی کتاب‌فروشی‌ها صف کشیده‌اند؟

از عوامل پیروزی این کتاب، می‌توان به جنبه روان‌کاوانه آن اشاره کرد؛ یعنی بازگشت اسطوره بزرگ کودک - خدا، عامل دیگر را می‌توان از جنبه اجتماعی - سیاسی مورد بررسی قرار داد. خلق دنیایی جادویی از اجتماع انگلیسی و قرار دادن آینه‌ای جلوی بزرگسالانی که خود را کاملاً در آن باز می‌یابند (کاربرد کلماتی چون هیپرکول یا عظیم که دارای بار احساسی حسد، تمنا و یا حس

time ، Newsweek و New York Times و

به همین دلیل جزو پرفروش‌ترین نشریات شدند. انواع محصولات تجاری، مانند تی‌شرت، اسباب‌بازی، کارت و دفترچه با عکس هری پاتر به فروش می‌رود. در بسیاری از محافل ادبی و ادبیات کودکان، با موضوع "هری پاتر" جلساتی ترتیب داده شد.

### نویسنده کتاب

جوان کاتلین رولینگ، در سال ۱۹۶۵، در اسکاتلند به دنیا آمد. بعد از اتمام تحصیلاتش در رشته زبان و ادبیات فرانسه، خود را در امور مشارکت بین‌المللی وقف کرد. این گروه، برای حقوق بشر، در کشورهای آفریقایی فرانسه زبان مبارزه می‌کرد. او به تنهایی مسئولیت تربیت دختر کوچکش را برعهده دارد. مادر او یک کتابدار بود و همین امر، زمینه مطالعه او را در کودکی فراهم آورد و در تکوین حس ادبی او نقش مهمی ایفا کرد. رولینگ، مدتی به عنوان یک منشی کار کرد، ولی بعد شغل خود را رها ساخت. در سال ۱۹۹۰، زندگی او متحول شد؛ در قطار لندن - ماساچوست بود که روزی هری پاتر، برای اولین بار در خیال او پدیدار شد. رولینگ در این باره می‌گوید: "من هرگز چنین هیجانی را تجربه نکرده بودم. فوراً فهمیدم که این اشتیاق وافر می‌تواند پشتوانه نوشتن داستان من باشد." او در مکانی اطراف شهر ادینبورگ، گوشه عزلت‌گزید و به نوشتن پرداخت. هرچه بیش‌تر می‌نوشت، شوق نوشتن و ادامه کار در او بیش‌تر می‌شد. تا آن جا که تصمیم گرفت خود را منحصراً وقف نوشتن کند.

در حال حاضر، او یکی از سه زن ثروتمند انگلستان است.

عشق‌های کودکانند). این خود توجیهی برای علت تدریس این اثر، در کلاس‌های آموزشی است. از طرف دیگر، استادان همایش‌های فرهنگی نیز جلساتی با موضوع این اتفاق مهم، در حوزه داستان‌های فانتزی کلاسیک ترتیب داده‌اند.

به نظر می‌رسد که در حال حاضر، در مقابل تصویری جدید از جدال همیشگی خوبی و بدی هستیم. همه جادوگری را که توانست نوجوانان را به مطالعه پیوند دهد، ستایش می‌کنند. داستان هری پاتر، داستانی دوست‌داشتنی است و به خوبی توانسته با مخاطب خود ارتباط برقرار کند. در هر حال، ظاهراً تمام هنر نویسنده، بر تلفیق عناصر مستضاد متمرکز است؛ مثل طبیعی و غیرطبیعی، واقعی و غیرواقعی، حقیقت و جادو، رویا و واقعیت و گذشته و حال. ضمن این که او توانسته فضایی بسیار غریب و خاص برای داستان خود خلق کند که تأثیری همراه با جذبه‌ای شگرف و سحری نافذ داشته است.

### نظریاتی در حاشیه داستان

اگر این پدیده، با بینشی منصفانه بررسی شود، باید گفت که این اثر، نوری به همراه ندارد و به زودی موج آن خاموش می‌شود.

اگر اتفاقاً کسی سعی کند واقع‌بینانه به نقد داستان بپردازد، باید گفت که اولین اتهام، قابل فهم نبودن آن است. بعضی صراحتاً گفته‌اند که این پدیده، احتمالاً از تفکر باطنیون سرچشمه می‌گیرد. اصولاً جادوگرها و ساحران همیشه به جهان داستان‌های کلاسیک تعلق داشته‌اند. حتی در داستان رولینگ هم عشق با پیروزی قدرت، پایان می‌یابد.

بحث‌های این حوزه، سؤالات زیادی را در پرده ابهام باقی گذاشته؛ از جمله مسائلی که در

بشت داستان مخفی مانده است و همچنین، خطرها و آسیب‌هایی ناشی از رواج جادوگری در جامعه. البته، در مورد این کتاب‌ها نمی‌توان یک موضع کاملاً منفی اتخاذ کرد. برای این که آن‌ها محصول خلاقیت ذهنی نویسنده‌اند و منحصرأ برای کودکان نگاشته شده‌اند. این محصول، خود یکی از مهم‌ترین اجزای انقلابی است که در عصر جدید به وجود آمده.

به عنوان مثال، اگر جلد چهارم این کتاب نقد شود، به روشنی می‌توان دریافت، روحی که سراسر داستان را برگرفته، هر چند طبیعی و ساده، زاینده یک روح ضدمسیحیت است. از طرفی، این تفکر در حوزه‌ای انتشار یافته که بسیار تأثیرپذیر و بسیار مستعد است. این حوزه، همان حوزه کودک است. چنین موفقیت بهت‌آوری با چنین درخشش و سرعتی، توجیه دیگری ندارد. ما با پیروزی امپراتور سیاهی‌ها روبه‌رو هستیم؛ آن هم در دنیایی بدون خدا.

جنبه‌هایی خاص از دنیای هری پاتر، به روشنی قابل بحث است که به آن می‌پردازیم.

### جهان کفر

انسان‌هایی که هنوز تحت تصرف این دنیای جادویی درنیامده‌اند، در اردوگاه گم‌شده‌ها قرار دارند. اغلب اوقات، آن‌ها به صورت اشخاصی مثبت توصیف شده‌اند که نوعی دلسوزی تحقیرآمیز و در بیش تر موارد مضحک، نسبت به آن‌ها وجود دارد. با وجود این، دنیای افسون شده پاتر، کاملاً از ارزش‌های طبیعی و قدیمی و مرجع‌های مسیحیت مبرا نیست؛ مفاهیمی از جمله خانواده، پدر، مادر، والدین، وفاداری، دوستی و حتی تفکر قربانی شدن و شجاعت، در این اثر به چشم می‌خورد. از طرفی، به موضوع تعطیلات عید پاک و نوئل نیز پرداخته

که هر یک از آن‌ها چهره استادش را دارند. این نوعی الگوی ایده‌آل است که نویسنده به خوانندگانش پیشنهاد می‌کند. استادان هم کم‌تر از شاگردان شان دروغگو، خلاف و ریاکار نیستند. در همین قسمت، هری حدس می‌زند که استادش قصد دارد او را به زندان ببندازد. بنابراین پیش‌بینی، او در صدد دفاع از خود برمی‌آید و دیگ خود را به سر استاد می‌زند؛ سر گنده و بزرگ او. پس در این جا به این مسئله می‌رسیم که این کتاب، از حیثه کتاب‌های آموزشی و تکوینی و تعلیم اخلاق خارج است.

### خوبی و بدی

به دلیل وجود شکافی بزرگ میان ارزش‌های ارائه شده و ارزش‌های پایه که در ذهن همه وجود دارد، به نظر می‌رسد که این ارزش‌ها می‌بایست در این بستر ریشه دوانده و خاستگاه ارزش‌های ارائه شده باشند، ولی به آن جا می‌رسیم که با نوعی وارونگی کامل روبه‌رو می‌شویم؛ به طوری که تمام ارزش‌ها برعکس می‌شوند. به همین دلیل هری پاتر مطلقاً نمی‌تواند با یک داستان کلاسیک مقایسه شود؛ چرا که بدون استثنا، یک داستان کلاسیک بدون تردید ارزشی آموزشی دارد و در این نوع داستان، همیشه خوبی پاداش می‌گیرد و بدی تنبیه می‌شود.

در موضوع مورد بحث، همیشه جدالی میان خوبی و بدی بوده است و جلوه آن در این داستان، به این صورت است که هری و وزیر جادوگرها و مدیر مدرسه، از یک طرف و از طرف دیگر، لرد ولدمورت و هواداران خون‌آشامش و مردارخوارها، دو گروه متقابل را تشکیل می‌دهند. اما بدی هرگز کاملاً مغلوب نمی‌شود و خوبی ظاهراً فقط به مدد واسطه‌های بد و نامهربان پیروز می‌شود. نکته مهم این جاست که تمام این‌ها نشأت گرفته از

شده است. ضمناً در یک قالب جادویی، دل‌نگرانی‌ها و دغدغه‌های زیادی از عصر حاضر شرح داده شده است. به عنوان مثال، مدرسه هاگوارتز هزینه یک مجله متخاصم را تأمین می‌کند که به مبارزه با نژادپرستی و ظلم می‌پردازد و به دموکراسی و همبستگی نظر خاص دارد. دنیای مولدوس یا گم‌شده‌ها، نمایشی از عصر قدیم است و در مورد افراد آن می‌توان گفت که در حقیقت، مسیحی‌ها مدنظر بوده‌اند. این دنیا به صورت دنیایی مشرک و جادویی ارائه شده که کاملاً از ریشه خود بریده است (از مسیحیت). کودکان به مدرسه می‌روند، اما به مدرسه جادوگری. آن‌ها موظفند که با جدیت درس بخوانند و امتحان‌هایی مهم بدهند که مسلماً امتحان ریاضی و انگلیسی و جغرافی نیست، بلکه در مورد علوم گیاهی، شربت‌های جادویی، مواظبت از جانداران افسون شده، پیشگویی، تاریخ جادوگری، علم استحاله، آشنایی با زبان مارها، تربیت اژدها و غیره... است. آن جا که مبارزه واقعی برای رسیدن به تقوا کم می‌شود، تمام بدی‌ها و گونه‌های مختلف زشتی، مانند سلول‌های سرطانی تکثیر می‌شوند. این حقایق، خود توجیهی بر لحن بی‌ادبانه نوجوانان داستان و کاربرد اصطلاحات عامیانه و ابتدایی توسط آن‌ها است. انتقام، حسادت، رشک و همین‌طور نفرت و میل به کشتن، قسمت‌هایی از این دنیای فوق طبیعی را شامل می‌شود و خصوصیت قهرمانان را برمی‌شمرد. با این وصف، هری "خوب" می‌تواند به سادگی، برای استادش بدترین سرنوشت‌ها را آرزو کند. هری آشکارا از او بدگویی و او را با حرف‌ها و رفتارش خرد می‌کند. این کار هری، مانند این است که او را در دام یک عنکبوت انداخته و خود شاهد جان دادن و دست و پا زدن و احتضار او باشد. هری ضمن له کردن حشرات زشت، تصور می‌کند

ذهنی است که به هیچ وجه مسیحی نیست. خوبی هم مانند بدی، در مبارزه خود، از روش‌های جادوگری استفاده می‌کند.

### شیطان و دنباله‌های آن

موضوع‌های آموزشی مدرسه هاگوارتز، نه زیباست، نه واقعی و نه خوب، بلکه برعکس، همواره حاوی درونمایه‌هایی فراگیر مثل زشتی، انتقام و دروغ است. به عنوان مثال، یک قسمت طولانی از کتاب، به توصیف گیاهی تهوع‌آور اختصاص می‌یابد که شبیه یک جانور نرم‌تن است. این گیاه، دملی پر از چرک دارد که از محتویات آن برای تهیه دارویی اعجاب‌انگیز استفاده می‌شود. جزییات بو و رنگ این چرک نیز با توصیفات فراوان ارائه شده است. در جایی دیگر، با ظرافت فراوان، موجودی خارق‌العاده ترسیم شده است. نیمی از بدن این حیوان وزغ و نیمی دیگر هشت‌پاست. او دهانی ندارد و غذایی، موریانه، جگر قورباغه و تکه‌هایی از بدن مار است. این درس‌های عملی، در محیطی آمیخته با پلیدی، انجام می‌گیرد.

### جادوی روا و جادوی ناروا<sup>(۱)</sup>

هری و دوستانش، هنرهای مختلف جادوگری را می‌آموزند و در این میان، نویسنده آن‌ها را در فضایی از جادوی فانتزی وارد می‌کند. به نظر می‌رسد که نویسنده می‌خواهد نوعی طنز را هم وارد داستانش کند. در این دنیای جادویی، انسان‌ها به حیوان بدل می‌شوند و برعکس. ضمناً تبدیل کردن آن‌ها به یک چیز خوشمزه و یا طلایی، آن قدرها هم سخت نیست. برحسب نیاز، به دلخواه می‌توان پیر یا جوان شد. می‌توان دندان درآورد و یا این‌که آن‌ها را زیبا کرد... می‌شود با یک شنل

جادویی، خود و یا دیگران را نامریی کرد. می‌توان مسافت خیلی طولانی را در عرض چند ثانیه طی کرد. البته، این کار با یک ورد انجام می‌شود. نامه‌ها و پاکت‌های پستی، در مدت چند ثانیه پخش می‌شوند. به محض این‌که کسی در جادوی خود اشتباه کند، سریع در دادگاه "استفاده نادرست از جادو" حاضر می‌شود. می‌بینیم که تخیلات نویسنده، حد و مرزی ندارد و شاید به نوعی بتوان گفت که آن‌ها نوعی هدیان‌گویی هستند.

با وجود این، به خوبی می‌توان دریافت که در پس این ظاهر بازیگانه و بی‌خطر، یک روح خون‌آشام و سخت‌بی‌رحم قرار دارد. او تا رقیب خود را از صفحه روزگار محو نکند، به هیچ قیمتی حاضر به عقب‌نشینی نیست. در مدرسه و در کتاب‌های جادوگری، کودکان می‌آموزند که چطور از قدرت‌های اهریمنی برای استفاده خود بهره ببرند و به یکدیگر آزار و اذیت برسانند. استاد به دانش‌آموزان، نفرین‌هایی می‌آموزد که غیرقابل بازگشت است و سیطره کامل جادوگر را بر قربانی فراهم می‌آورد و او را به ورطه عدم می‌اندازد.

### از باطنیون تا اهریمنی‌ها

وقتی به تفصیل، شرح این نفرین نابودکننده را می‌خوانیم، علاوه بر نگرانی، به این نتیجه منطقی می‌رسیم که زشتی منجر به نفرت می‌شود و نفرت، جنایتی به بار می‌آورد.

حال، چه کسی می‌تواند باز هم بگوید که این بازی‌ها بی‌ضرر هستند؟

در جلد چهارم ماجراهای هری پاتر، نقطه اوج داستان، توصیفی پرده‌آشکار یک آیین شیطانی است که شامل قتل یک کودک، توهین به درگذشتگان و مقبره آن‌ها، قربانی کردن خونبار و کارهای کفرآمیز می‌شود. لرد ولدمورت که نمادی انسانی از شیطان است، روح خود را با یک جسم

روزنامه‌نگار "London Times"، به نحوی به این مورد اعتراف کرده است: "این کتاب‌ها به کودکان کمک می‌کنند تا متوجه شوند این پسر خدا ضعیف و احمق است و چیزی نیست جز یک موجود مضحک. او زندگی سختی دارد و زمانی که باران آتش بیارد، شرم‌منده و نابود خواهد شد."

به این ترتیب، این شیفتگی خطرناک باید به کلی از درجه اعتبار ساقط شود. این کار، نه تنها امری ضروری، بلکه نوعی شهادت دادن است.

#### منبع:

ALIAS، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۰

مقاله مندرج در سایت انتشارات گالیما، مخصوص هری پاتر.

نویسنده این مقاله، از مقالات زیر استفاده کرده است.

1. Paris-Match, 30 Novembre 2000.
2. Figaro Magazine, 25 Novembre 2000.
3. Le choix des noms propres, à lui seul, mériterait une étude.
4. Figaro Magazine, 25 Novembre 2000.
5. Die Tagespost, no 123, 14 Octobre 2000.
6. Il s'agit vraisemblablement d'une allusion au respect que les Juifs, dans l'Ancien Testament, témoignaient à Jahwe, leur Dieu, en ne prononçant pas son nom.
7. Apocalypse, 18; 23.
8. Aargauer Zeitung, 19 Octobre 2000.

پی‌نوشت:

۱. با استفاده از جادوی روا یا جادوی سفید، به کسی آسیب نمی‌رسد، ولی با جادوی سیاه یا ناروا، افراد متضرر می‌شوند.

انسانی پیوند می‌دهد و با این آیین، به او زندگی جدیدی می‌بخشد. با اطمینان می‌توان گفت که تمامی عناصر این آیین‌ها، دست‌ورالعمل‌هایی کفرآمیز و ضددین هستند که زندگی بخش جلوه داده شده‌اند. در این داستان، عمل مقدس آفرینش انجام می‌گیرد و یا تقلید می‌شود، اما به روش شیطانی! با مطالعه داستان، بدون شک درمی‌یابیم که هری پاتر، علیه ولدمورت مبارزه می‌کند و همین امر است که به گسترش نظریه مبهم و تاریک "اسطوره کودک - خدا" منجر می‌شود. این در حالی است که بدی به هیچ‌وجه مغلوب نمی‌شود و حتی برعکس، به صورت زیرکانه‌ای ستایش می‌شود.

#### نتیجه‌گیری

جهانی که در طول داستان هری پاتر توصیف شده است، جهانی کفرآمیز و ضددین است. این جهان جادویی و سحرآمیز و باطنی، به نحوی توصیف شده است که در ذهن خواننده، دنیای واقعی را تداعی می‌کند. این جهان که به شیطان تعلق دارد، "فریبنده" است؛ زیرا «با افسون تو، تمامی ملت‌ها گمراه شده‌اند».

به همین دلیل هم هست که چنین کتاب‌هایی کاملاً خلاف این ادعا که آن‌ها را کتاب‌هایی "بی‌ضرر" و یا "خالق" می‌دانند، عمل می‌کنند. احتمال این که خوانندگان جوان (و یا بزرگسال) به وضوح پیامدهای کفرآمیز و خطرهای این اثر را درک نکنند، بسیار زیاد است.

با این وصف، این چنین ذهن‌ها و روان انسان‌ها برای عصری آماده می‌شود که شیطان با قدرت تمام بر کل دنیا حاکم خواهد بود؛ دنیایی که احتمالاً دیگر تحت کنترل حضرت مسیح نخواهد بود. در این عصر، مولدوس‌ها - مسیحیان - نخواهند توانست با بدی مبارزه کنند.

نویسنده ماجراهای هری پاتر، در گفت‌وگو با